

در حواشی آیات

«در حواشی آیات»، مجموعه‌ای است که در آن به تناسب آیاتی از قرآن کریم به بیان داستانها، وقایع تاریخی و مطالب زیبا و لطیف و مناسب مریبان عزیز می‌پردازیم. چنانچه مریبان گرامی مطالبی از این نوع داشته باشند از استفاده آن در نشریه، به نام خودشان استقبال می‌شود.

تهیه کننده: حسن کریمی سلیمی

«تند خو و سخت دل»

«لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ». (آل عمران: ۱۵۹)

ای پیامبر (ص)، اگر تند خو و سخت دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می‌شدند.

روزی شخصی به نزد احمد بن خالد آمد و گفت:

خداوند تبارک و تعالی به تو عطایی کرده که به رسول خدا (ص) عطا نکرده بود.

احمد بن خالد که انتظار این سخن را نداشت در فکر فرو رفت و به خشم آمد و با عتاب از آن شخص پرسید:

ای کم خرد و بی عقل، آن چیست که خداوند به من عطا کرده و به رسولش عطا نکرده است؟

آن شخص گفت: خداوند به رسولش فرمود:

«ای پیامبر(ص)، اگر تند خو و سخت دل بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می شدند.»

در صورتی که تو تند خو و سخت دل هستی؛ اما ما از گرد تو متفرق و پراکنده نمی شویم.

ابن خالد که این آیه کریمه قرآن و سخنان آن شخص درباره مقایسه خودش با رسول خدا(ص) را شنید، بسیار شرمنده شد و با شرمساری گفت: سعی می کنم از این به بعد، تند خو و سخت دل نباشم.

«جواب قاطع»

«إِجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمُ الْإِلَهَةُ قَالِ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ». (اعراف: ۱۳۸)

و بنی اسرائیل را از دریا به ساحل (سلامت) رساندیم، پس به قومی که به پرستش بتان خود مشغول بودند، برخوردده (به آئین بت پرستی از جهل مایل شدند) و گفتند: ای موسی برای ما خدایی مثل خدایانی که این بت پرستان دارند (که دیدنی و محسوس است) مقرر کن. (حضرت موسی گفت: شما سخت مردم نادانی هستید.

روزی یک یهودی به نزد حضرت علی (ع) آمد و با تمسخر و تحقیر گفت:

یا علی (ع)، هنوز پیامبر (ص) شما را دفن نکرده بودند که اختلاف در میان شما پیدا شد، در این باره چه می گویی؟

حضرت علی (ع) بدون درنگ پاسخ داد:

اختلافی که در بین ما به وجود آمد، از فراق پیامبر (ص) بود نه این که در دین او اختلاف کرده باشیم؛ اما شما، هنوز پایتان از گل و لای رود نیل خشک نشده بود که به پیامبر خود، حضرت موسی گفتید:

«يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا آلِهًا كَمَا لَهُم آلِهَةٌ...»

«ای موسی برای ما خدایی پیدا کن، همچنان که بت پرستان را خدایی است.»

آن یهودی پس از شنیدن این آیه کریمه قرآن و جواب قاطع حضرت علی (ع) از سخنان خود پشیمان و شرمسار گردید و با شرمندگی رفت.

«ادب در صدا زدن»

«لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا...» (نور / ۶۳)

«ای مردم) رسول خدا را آن گونه که یکدیگر را می خوانید، صدا نکنید...»

مدتی از هجرت مسلمانان به مدینه گذشته بود که ادب و اخلاق و فرهنگ اسلام در بین مردم رایج شده بود؛ ولی از رسوبات آداب جاهلی مقداری باقی مانده بود، یکی از این آداب جاهلی «طرز صدا کردن یکدیگر» بود، حتی پیامبر اکرم (ص) را مانند نام بردن و صدا کردن یکدیگر می خواندند، و به مقام والای رسول خدا توجهی نداشتند تا این که آیه ۶۳ سوره نور نازل شد و از آن به بعد، مسلمانان، پیامبر اکرم (ص) را با لفظ «یا رسول الله» صدا می زدند.

حضرت فاطمه (س) وقتی این آیه را شنید تصمیم گرفت ایشان را با لفظ «یا رسول الله» صدا زند.

هنگامی که پیامبر اکرم (ص) به نزد دخترش آمد، او به پدرش گفت: السلام علیک یا رسول الله»

پیامبر اکرم (ص) جواب سلامش را داد و سپس احوالپرسی کرد. حضرت فاطمه علیها السلام در پاسخ پیامبر (ص) از لفظ «یا رسول الله» استفاده کرد.

پیامبر اکرم (ص) علت را پرسید و حضرت فاطمه (س) فرمود: وقتی این آیه نازل شد ترسیدم که شما را با لفظ «يَا أَبَتَ» (ای پدر) بخوانم لذا شما را «یا رسول الله» صدا زدم.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

دخترم فاطمه جان! این آیه درباره تو و خانواده تو و نسل تو نازل نشده است. فاطمه جان! تو از منی و من از تو، همانا این آیه برای ادب کردن ستمکاران و جاهلان و درشت خوهای قریش، و انسان‌های خود خواه و متکبر نازل شده است. دخترم فاطمه جان! تو مرا با جمله «ای پدر» خطاب کن که مایه حیات قلب من است و خداوند را خشنود می‌کند. (۱)

تفکر در خلقت

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ. الَّذِينَ يَذْكُرْنَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.» (آل عمران: ۱۹۰-۱۹۱)

به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز، برای خردمندان نشانه‌هایی است، آنان که خدا را (درحالت‌های) ایستاده و نشسته و به پهلو خفته، یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند): ای پروردگار ما، این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای، تو منزّه‌ای، ما را از عذاب آتش نگهدار.

در روایت آمده است که شی رسول اکرم (ص) آن قدر گریسته بود که محاسن و جای سجده‌اش خیس شده بود. بامداد که رسول اکرم (ص) برای خواندن نماز جماعت از منزل برای رفتن به مسجد خارج شد، بلال - اذان‌گوی معروف - پرسید:

ای رسول خدا (ص) چرا این قدر گریسته‌ای؟

پیامبر اکرم (ص) فرمود: برای این که امشب این آیه کریمه (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ.....) بر من نازل شد، وای بر کسی که آن را قرائت کند و پیرامونش نیندیشد. (۲)

امیدوارکننده ترین آیات

امیر مؤمنان علی (ع)، روزی خطاب به اصحاب خود فرمود:

«کدام یک از آیات خدا در قرآن کریم نزد شما امیدوارکننده ترین آیات می باشد؟ یکی از اصحاب ایشان گفت: این آیه است.»

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ». (نساء: ۴۸)

همانا خداوند نمی آمرزد مشرک را، و می آمرزد پایین تر از شرک را برای کسی که بخواهد.

حضرت علی (ع) فرمود: نیکو آیه ای است، اما امیدوارکننده ترین آیات برای غفران و آمرزش معاصی نمی باشد.

عده ای دیگر گفتند: ای امیر مؤمنان! این آیه کریمه:

«وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا».

و هر کس عمل زشتی از او سرزند (گناه و خطایی انجام دهد) یا به خویشتن ظلم کند، سپس از خدا طلب آمرزش و عفو کند، خدا را بخشنده و مهربان خواهد یافت. (نساء: ۱۱۰)

امام (ع) فرمود: نیکو آیه ای است، اما آیه مورد نظر نمی باشد.

برخی دیگر گفتند: ای امیر مؤمنان! این آیه کریمه:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا». (زمر: ۵۳)

بگو: ای بندگانم که با گناه به نفس خود اسراف می ورزید، از رحمت خدا مأیوس نباشید، چون خداوند جمیع گناهان را می آمرزد.

امام (ع) فرمود: نیکو آیه ای است، اما آیه مورد نظر نیست.

بعضی دیگر گفتند: ای امیر مؤمنان! این آیه کریمه:

«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ». (آل عمران: ۱۳۵)

(متقین) آنان هستند که هر گاه کار ناشایسته ای از ایشان سرزند یا ظلمی به خویش کنند، خدا را به یاد آورند، و از گناه خود استغفار کنند.

امام (ع) فرمود: نیکو آیه‌ای است، اما آیه مورد نظر نیست، سپس فرمود: آیا آیه دیگری نمی‌دانید که به نظر شما امیدوار کننده‌ترین آیات قرآن باشد؟
 اصحاب عرض کردند: ای امیر مؤمنان! به خدا سوگند، چیزی در نزد ما نیست.
 امام علی (ع) فرمود: از حبیب رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: امیدوار کننده‌ترین آیه در قرآن این آیه شریفه است:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَ زُلْفَا مِنْ اللَّيْلِ، إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلَّذِينَ كَرِهُوا» (هود: ۱۱۴)

و نماز را در دو طرف روز (اول و آخر) به پا دارید و نیز در ساعت تاریکی شب که البته حسنات و نیکوکاری‌های شما، سیئات و گناهانتان را نابود می‌کند، این یادآوری (پندی) برای اهل ذکر است.
 سپس پیامبر (ص) فرمود:

ای علی! به خدایی که مرا بشیر و نذیر قرار داد و مبعوث به رسالت گردانید، اگر یکی از شما به وضو قیام نماید، گناهان و معاصی او از اعضای او فرو می‌ریزد، تا وقتی که با صورت و قلب خود متوجه قبله گردد از قبله و نمازش برنگردد، مگر آن که جمیع گناهان او بریزد و هیچ گناه بر صحیفه عمل او باقی نماند، همچون روزی که متولد شده باشد.
 و هر گاه مابین دو نماز گناهی از او صادر شده باشد، با خواندن نماز آمرزیده شود و از گناه پاک گردد، تا این که پیامبر (ص) نمازهای پنجگانه، که موجب آمرزش هستند را برای من شماره نمود و فرمود: نمازهای پنج گانه برای امت من مانند نهری است که بر در خانه یکی از شما باشد، اگر شخصی در بدن او چرک باشد و هر روز پنج بار در آن نهر شستشو کند، آیا هیچ از آن چرک در بدن او باقی خواهد ماند؟
 سوگند به خدا، نمازهای پنجگانه برای امت من، چنین است که تمام گناهان او را پاک می‌کند و تیرگی قلبش را می‌برد. (۳)

پیام پیامبر اکرم (ص)

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا». (فرقان: ۳۰)
 پیامبر گوید: پروردگارا، قوم من، این قرآن را وا نهاده‌اند (بطوری کلی متروک و رها کرده‌اند).

شاعر معاصر، استاد سید علی موسوی گرمارودی می‌گوید:

یک روز از ایام دورهٔ لیسانس، یکی از دوستان به هنگام عزیمت به سفر حج به نزد آمد و گفت:

عازم مدینه منوره هستم تا بعد برای انجام مناسک حج به مکه بروم پیامی برای رسول خدا (ص) نداری؟

عرض کردم: من روسیاه که هستم که لایق باشم به ساحت رسول الله (ص) پیام بدهم. او گفت: ایشان رحمة للعالمین است. منظورم این است که چیزی از آن حضرت (ص) نمی‌خواهی؟ گفتم، برای خودم یا برای مردم؟ گفت: البته اگر از ایشان برای مردم چیزی بخواهی بهتر است، روشن تر هم پاسخ خواهند فرمود. گفتم: به فرض چیزی خواستم یا پرسیدم جواب ایشان را چگونه دریايم؟ گفت: من در خدمت یک قرآن جیبی هستم، روبروی مرقد مطهر ایشان که رسیدم، سؤال خود را عنوان می‌کنم، بعد برای پاسخ ایشان قرآن را باز می‌کنم، اول سطر، هر چه آمد، همان را پاسخ و پیام ایشان خواهم دانست. گفتم: شما که همه چیز را خودتان بلد هستید، خودتان بگویید از ایشان چه بخواهیم؟ سرانجام قرار شد بپرسیم که امروز، پیام ایشان برای جامعه اسلامی و امت خودشان در ایران چیست؟

هنگامی که برای زیارت ایشان که از حج بازگشته بود به خانه او رفتم، نخستین سخنی که گفت، این بود که آیا نمی‌خواهی بدانی، پیامبر (ص) چه پیامی دادند؟ با اشتیاق گفتم چه پیامی دادند؟

فرمود: رفتم و رو به روی مرقد مطهر ایستادم و قرآن کوچکی را که در خدمت آن بودم در دست گرفتم و پیام را عرض کردم و صلوات فرستادم و قرآنم را گشودم، درست اولین جملهٔ اولین صفحهٔ سمت راست، این آیه بود:

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (۴)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۲۰؛ کوکب الدری، ج ۱، ص ۱۵۰.
- ۲ - محجة البيضاء، ج ۸، ص ۱۹۴.
- ۳ - بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۰.
- ۴ - مجله بشارت، ش ۱، آبان ماه ۱۳۷۶.